مکتب پزشکی شیراز از صفویه تا قاجاریه

سید علی رضا گلشنی [الف و ب]*، حمید حاجیان‌پور [ب]

[الف] دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز
[ب] گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز

چکیده

وجود و کیفیت سیستم‌های دانش پزشکی در میان تمدن‌های گوناگون نشان از میزان اهمیت و توانمندی پزشکی آن اقوام داشته است. یکی از این سیستم‌ها، مکتب پزشکی شیراز بوده که کمتر مورد توجه مورخان و اندیشمندان متأخر قرار گرفته است. مکتب علمی شیراز که لقب دارالعلمی را به یدک می‌کشد، با دارا بودن مدارس علمی، بیمارستانها و مراکز درمانی و کتابخانه‌های مجهز شهرتی جهانی یافته بود. علما و دانشمندان بزرگی در این مکتب پا به عرصه نهادند که شیوه‌های نوینی در پزشکی ابداع نمودند، و رونق و پیشرفت پزشکی، را سبب شدند. در شماره قبل همین نشریه به بررسی مکتب بزرگ پزشکی، که از دوره آل بویه تا آغاز صفوی پرداختیم، در این پژوهش به بررسی ادامه مکتب پزشکی شیراز از دوره صفوی تا پایان قاجار را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: مکتب پزشکی، طب، دارالعلم، شیراز، مدارس، بیمارستانها، صفویه، قاجاریه.

تاریخ دریافت: دی ۹۱
تاریخ پذیرش: اسفند ۹۱

مقدمه:

گذشته پر افتخار شیراز بدون شک مرهون حلقه‌های درسی، پژوهشی و مطالعاتی متعددی است که در قالب مکاتب علمی، شکل گرفته و به تربیت شاگردان قابل و پرآوازه دست زده‌اند. شاگردانی که موفق شده‌اند در علوم کاربردی و مهندسی، معماری زیبا و بدیع؛ در علوم پایه، هیئت جهانی؛ در ادب و هنر، استادان بی بدیل شعر؛ در فلسفه و حکمت، مکتب فلسفی شیراز، در عرفان و اخلاق و در فقه و علوم دینی و نیز در طب نیز با دانشمندان و اطباء و بسیاری دیگر از اعاظم را بپروراند.

این پژوهش اولین تحقیقی است که به بررسی اجمالی مکتب پزشکی و طبی شیراز می‌پردازد. در شماره قبلی این نشریه به بررسی شرایط ظهور و رونق این مکتب بزرگ پزشکی، که با روی کارآمدن سلسله دیلمی این مکتب پدید آمد و رشد نمود، با دولت اتابکان این رشد به تکامل رسید، زیرا این دولت با سیاستی که نسبت به خوارزمشاهیان و مغولان داشتند، شیراز را مأمن علما، دانشمندان و طبیبان کرده بود. در دوره آل اینجو و آل مظفر تا اندازه ای این ویژگی حفظ شد. اما با قدرت نمایی تیموریان اندکی دچار خلل گردید. در این پژوهش به ادامه بررسی مکتب پزشکی شیراز پس از آن که به قدرت‌گیری صفویان به اوج تکامل و پیشرفت رسید و در دورانهای کوتاه افشاریه و زندیه به روند خود ادامه داد، تا اینکه در دوران قاجار دچار پیری و انحلال گردید، را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

* فرد مسئول مکاتبات: golshani_22@yahoo.com

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

اوج کمال مکتب پزشکی شیراز:

شاه اسماعیل صفوی[1] با حمله به شیراز بسیاری از علمای شیرازی را به بهانه سنی بودن و لعن نکردن خلفا قتل و عام کرد. اتهام واهی شاه اسماعیل سبب مهاجرت و قتل بسیاری از علما، حکما و دانشمندان گردید و به مدت ۱۰۰ سال چراغ دارالعلم شیراز به خاموشی گرایید. اما شاید تنها پزشکان و اطبا بودند که به خاطر علمشان که طبابت بود از این معرکه جان به سلامت بردند و مکتب پزشکی شیراز در این صد سال خللی جدی پیدا نکرد (۲،۱).

باقدرت‌گیری شاه عباس اول[2] و با سیاست شایسته‌سالاری و با انتخاب حکام گرجی، الله وردیخان[3] و امامقلی‌خان[4] به شیراز، بار دیگر مکتب علمی شیراز که به دارالعلم شهرت داشت احیاء گردید. این دو پدر و پسر که به ترتیب حاکم شیراز و فارس شدند نسبت به علما به دیده احترام می‌نگریستند. که در واقع این دوره، دوره کمال مکتب پزشکی شیراز است، که شاهد حضور بسیاری از پزشکان و نوشته شدن کتابهای بسیاری در این زمینه هستیم. طبابت و علم طب آنقدر در این دوره رشد کرد، که به قول استاد محمد محیط طباطبائی[5] در مقاله دارالعلم شیراز، «غالب اطبا و حکما معروف پایتخت صفوی و گورکانی هند از اصل شیرازی بودند و سر رشته طبابت در دربار ایران و هند کاملاً بدست شیرازیها افتاد، و گویی شیراز در آن زمان تبدیل به یک مرکز طبی بزرگی شده بوده انتساب هر پزشکی به آن شهر در هندوستان سند فضیلت و حذاقت او شناخته می‌شدند... پزشکان شیرازی بعد از سید اسماعیل جرجانی[6]، از زمان منصور بن الیاس[7] طبیب آل مظفر تا عهد کریمخان زند[8] کوشید که زبان پارسی را بجای عربی، زبان علم طب قرار دهند و در این کار توفیق حاصل کردند...» (۳). در اینجا به ذکر تعدادی از این اطبا و پزشکان دو دربار صفوی در ایران و گورکانی در هندوستان می‌پردازیم:

غیاث‌الدین منصور[9] فرزند امیر صدرالدین محمد دشتکی[10] به سال ۸٦٦ در شیراز متولد شد، وی حکمت، ریاضی و سایر علوم را نزد پدرش و دیگر علما فرا گرفت، قدر و منزلتش در مورد علوم در میان علمای دیگر بسیار زبانزد بود. غیاث‌الدین تا سن چهل و دو سالگی به کار تدریس در مدرسه منصوریه ادامه داد، از تألیفات وی در طب می‌توان به دو کتاب معالم الشفاء و مختصر معالم الشفاء اشاره کرد. این دانشمند بلند آوازه پس از عمری پربرکت در سال ۹٤۸ دارفانی را وداع گفت و در مدرسه منصوریه به خاک سپرده شد (۲،٤).

تقی‌الدین طبیب شیرازی[11] از اطبا و دانشمندان قرن دهم هجری است، وی شاگرد غیاث‌الدین منصور بوده است، از وی کتاب انیس الاطباء فی الطب باقی مانده که حاصل تجربیات وی در این شغل می‌باشد (۵).

شرف‌الدین حسن طبیب شیرازی[12]، در سال ۹۵۰ هجری در شیراز بدنیا آمد و از معاصرین و معتمدین امیر غیاث‌الدین منصوردشتکی شیرازی است. وی در شیراز به طبابت مشغول بوده است. شرف‌الدین در داروسازی و ساختن معجونهای طبی استاد بوده و معجون مشهور اشرفی از ساخته‌های وی می‌باشد. تألیفات وی عبارتند از: ۱- ینبوع ۲- طریق معالجات نزله و زکام ۳- زبده المسالک. از تاریخ فوت این حکیم بزرگ اطلاعی در دست نیست (٦).

جلال بن امین الطیب مرشدی کازرونی[13] از اطبا قرن یازدهم هجری است. تنها اطلاعی که از وی موجود است کتابی بنام «قرابادین جلالی» یا «اضافه اختیارات» می‌باشد. نویسنده این کتاب سعی داشته که نوشته خود را شبیه کتاب اختیارات بدیعی کند و آنرا در کیفیت ترکیب ادویه، در سی و سه باب تنظیم نموده است (۵).

حکیم سلمان موسوی جهرمی[14] از اطبا و دانشمندان معاصر با شاه عباس اول است. وی ابتدا در جهرم به کار طبابت مشغول بوده است، اما به علت شهرت علمی و طبی‌اش

1 - Shah Ismail Safavi
2 - Shah Abbas I
3 - Allahverdi Khan
4 - Imam-Quli Khan
5 - Mohammad Mohit Tabatabai
6- Seyyed Ismail Gorgani.
7 - Man□ur Ibn Ilyas.
8 - Karim Khan Zand.

9 - Ghiyathoddin Mansur.
10 - Amir Sdr Din Mohammad Dashtaki.
11 - Taqi al-Din Tabib Shirazi.
12 - Sharaf al-Din Hassan Tabib Shirazi.
13 - Jalal Ibn Amin al-Tayeb Morshedi Kazerooni.
14 - Hakim Salman Mousavi Jahromi.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

به اصفهان احضار می‌شود و در اثر درایت و تیزهوشی به مقام حکیم‌باشی ممالک ایران نیز مفتخر می‌گردد. وی همچنین پزشک مخصوص الله‌وردی‌خان نیز بوده است. فرزندانش نسل اندر نسل شغل طبابت را ادامه دادند و تا اوایل دوران قاجار در اصفهان و شیراز به حذاقت معروف بوده‌اند (۷).

حکیم صدرالدین[۱۵] (مسیح‌الزمان) فرزند حکیم فخرالدین محمد شیرازی[۱۶] است، وی در شیراز بدنیا آمد. پس از کسب معلومات متداول در این شهر به هند رفت و در دربار اکبرشاه گورکانی[۱۷] تقرب یافت. وفاتش در سال ۱۰۶۱ می‌باشد (٦).

حکیم امیر سید فتح الله شیرازی[۱۸] از سادات شیراز و از معاصرین شاه طهماسب اول صفوی[۱۹] است، وی علاوه بر طب، در حکمت نظری و عملی، علوم نقلی، ریاضیات و طبیعی صاحب نظر بوده است. وی نیز در دربار مغولان هند صاحب تقرب بسیار بوده و به مقام صدراعظمی و شخص دوم مملکت بعد از اکبرشاه رسیده است و را یکی از مروجان تشیع در هند می‌دانند. تا آنجا که پس از فوت در سال ۹۹۷ هجری جسدش را در آرامگاه اختصاصی اکبرشاه مدفون کرده‌اند. از اثر طبی وی می‌توان ترجمه کلیات قانون بوعلی‌سینا به فارسی اشاره کرد (۸).

حکیم صالح شیرازی[۲۰] پسر حکیم فتح الله شیرازی، در دربار اکبرشاه، اورنگ زیب[۲۱] و شاهجهان[۲۲] طبیب، ندیم دربار دربار و داروغه ناحیه کرگیراق‌خانه بوده است. وفاتش را سال ۱۰۸۳ می‌دانند (۹).

حکیم کمال‌الدین حسین شیرازی[۲۳]، از حکیم‌باشی‌های شاه طهماسب اول صفوی است، اما به علت بی‌توجهی شاه به وی، از دربار دوری جست و به ملازمت خان احمد گیلانی[۲۴] درآمد. از وی کتابی در ادویه مرکبه یاد کرده‌اند (۱۰). تألیفات دیگر وی رساله در کیفیت ساختن تریاق فاروق – رساله حفظ الصوره و الصحه (رساله در تدبیر حفظ صحت) – شرح بر رساله طب امیر غیاث الدین منصور دشتکی. از تاریخ فوت وی اطلاعی در دست نیست (٦).

حکیم محمد حسن شیرازی[۲۵] (عارف)، از اطبا و دانشمندان نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است. تحصیلات متداول را در شیراز به پایان رسانید و با وجود آنکه علم طب و حکمت طبیعی را آموخته بود، اما در طب شهرتی به هم نرسانید و در جرگه سخنوران و شاعران بود. وی سالهای عمرش را در هند گذرانید در عهد جهانگیر[۲۶] مدت دو سال در زندان بود (۵).

حکیم محمد تقی شیرازی[۲۷]، از اطبا و شعرای قرن دوازدهم دوازدهم هجری است. وی تمام عمرش را در شیراز سپری کرده است. در طبابت حاذق بوده و در شعر نیز صاحب سبک بوده است (۵).

حکیم محمد امین شیرازی[۲۸]، یکی ازحاذق‌ترین اطباء و دانشمندان دربار اورنگ زیب‌و عالمگیر[۲۹] بوده است. وی موفق به‌درمان بیماری تب و سوءهاضمه اورنگ زیب می‌شود(۹).

حکیم محمود بن الیاس طبیب شیرازی[۳۰]، از اطباء و دانشمندان عصر صفوی است. شاگرد میرداماد[۳۱] دانشمند بزرگ می‌باشد و کتابی بنام کتاب العشق از وی باقی مانده است.(۵).

حکیم مسیح‌الملک شیرازی[۳۲]، از اطباء قرن یازدهم هجری است. در شیراز به فراگیری علم طب در نزد حکیم نجم‌الدین عبدالله ابن شرف‌الدین حسن شیرازی[۳۳] بوده است. به همراه شاهزاده سلطان مراد[۳۴] به جانب گجرات و دکن رفت و در دربار اکبرشاه به‌عزت و تقرب رسید و در مالوه درگذشت(۱۱).

حکیم مومنا شیرازی[۳۵]، از اطباء عهد جهانگیر و شاه جهان گورکانی است. تنها اطلاع از وی درمان نفس تنگی، جهانگیر

15 - Hakim Sadr al-Din.
16 - Hakim Fakhr al-Din Muhammad Shirazi.
17 - Akbar Shah Gurkani.
18 - Hakim Amir Seyyed Fath Allah Shirazi.
19 - Shah Tahmasb I Safavi.
20 - Hakim Saleh Shirazi.
21 - Aurangzeb.
22 - Shah Jahan.
23 - Hakim Kamal Uddin Hossein Shirazi.
24 - Khan Ahmad Gilani.
25 - Hakim Muhammad Hasan Shirazi.
26 - Jahangir.
27 - Hakim Muhammad Taqi Shirazi.
28 - Hakim Mohammad Amin Shirazi.
29 - Alamgir.
30- Hakim Mahmoud ibn Ilyas Tabib Shirazi.
31 - Mir Damad.
32 - Hakim Msyhalmlk Shirazi.
33 - Hakim Najm Abdullah Ibn Sharaf al-Din Hasan Shirazi.
34 - Sultan Murad.
35 - Hakim Momna Shirazi.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

است. زیرا بسیاری از پزشکان دربار از درمان وی مأیوس شده بودند. پس بنابراین حکیم مومنا به حذاقت مشهور بوده است و او را صاحب دست شفابخش می‌خواندند. پس از جهانگیر نیز در دربار شاه جهان تقرب بسیار می‌یابد. پس از سال ۱۰۵٦ از این حکیم بزرگ اطلاعی در دست نیست(۹).

میرزا محمد حسین شیرازی[۳٦] مشهور به عالی شیرازی، فرزند حکیم فتح‌الدین شیرازی در هند به دنیا آمد و همراه پدر در خردسالی به شیراز بازگشت و در این شهر به فراگیری علم پرداخت. جهت تکمیل تحصیلات به هند آمد و در نزد ملا شفیعای یزدی[۳۷] معروف به دانشمند خان طب قدیم را تا سرحد کمال فرا گرفت. وی به ترتیب در دربار عالمگیر، اورنگ زیب، محمد اعظم شاه[۳۸] و شاه عالم[۳۹] مراتب پزشکی را تا مقام دانشمندخان طی می‌کند. وی به خاطر احاطه علمی و ادبی صاحب دیوان اشعاری بنام سخن عالی است که در این دیوان بسیاری از اصلاحات علمی و طبی را آورده است. وی در سال ۱۱۲۱ در دهلی دارفانی را وداع گفت (۱۲).

عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی،٤۰ از اطبا، و مولفین علم طب است. وی از معاصرین و درباریان شاه طهماسب صفوی است. از تألیفات وی می‌توان به کتاب ینبوع (چشمه) اشاره کرد، این کتاب ابتدا به اختصار از طب بحث نموده، سپس تا آخر کتاب بذکر ادویه مفرده و در پایان به بیان قرابادین می‌پردازد. رساله‌ای در بیان خواص و منفعت چوب چینی (جین سینگ) دارد. این رساله را می‌توان از اولین کتاب‌هایی دانست که در جهت ترک اعتیاد به تریاک به فارسی نوشته شده و درمان این بیماری اجتماعی است و این را می‌رساند که ایرانیها قرنها پیش جین سینگ را بنام بیخ چینی می‌شناختند. رساله دیگر این حکیم بزرگ در مورد این بیماری، رساله افیونیه است. در این رساله مصنف از منافع و ضررهای استفاده از تریاک سخن گفته و موارد مجاز استفاده از تریاک را آورده است. کتاب تشریح – رساله مفرح یاقوتی – رساله سته ضروریه – رساله اآطریلال – رساله جدوار – رساله در دفع آتشک، این رساله اولین کتاب به زبان فارسی درباره سیفلیس و تأثیر درمانش با جیوه می‌باشد – رساله دستور الاطباء به زبان عربی – رساله حجله العرایس در کیفیت اعمالی که در روز نوروز برحسب سنت و طب باید انجام داد. از تاریخ فوت این حکیم گرانقدر اطلاعی در دست نیست (۱۳).

محمدباقر[٤۱] فرزند عمادالدین محمود شیرازی، از اطبای مورد اعتماد شاه عباس اول است. کتابی از وی باقی مانده که از نامش بی خبریم اما شامل دو مقاله است: مقاله اول در پنج فصل راجع به بیماریهای چشم و داروهای مفید به آن. مقاله دوم نیز پنج فصل در ذکر مراهم و ادویه قروح و آنچه بدان تعلق دارد (۵،۹).

نورالدین محمد عبدالله بن علی طبیب شیرازی[٤۲]ملقب به عین‌الملک از اطباء قرن دهم هجری و معاصر با شاه جهان و اکبرشاه گورکانی است. وی در ۳ حرفه کحالی (چشم‌پزشکی)، جراحی چشم و جراحی عمومی و طب ماهر و حاذق بوده است. عین‌الملک در دربار اکبرشاه بسیار محترم بوده است. در سال ۹۷۱ هنگامیکه اکبرشاه در شکارگاه مورد اصابت گلوله قرار گرفت. عین‌الملک با عمل جراحی گلوله را از بدن وی خارج نمود و با تجویزهای بجا شاه را به مدت یکهفته درمان نمود. این پزشک حکیم پس از عمری درخشان در ذیحجه سال ۱۰۰۳ درگذشت (۹،۱٤).

فتح‌الله بن ابوالقاسم بن فتح‌الله طبیب شیرازی[٤۳]از افاضل اطباء قرن یازدهم هجری است. وی مقرب دربار امامقلیخان حاکم فارس بوده است. پس از قتل عام خاندان امامقلیخان توسط شاه صفی[٤٤]، وی به هند کوچ نمود. در زمان شاهجهان گورکانی از طبیبان دربار گشت. در سال ۱۰۵۵ هجری به وی منصب نهصدی اعطا گردید. از تاریخ فوت وی اطلاعی در دست نیست (۹).

36 - Mirza Mohammad Hossein Shirazi.
37 - Mullah Shfyay Yazdi.
38 - Muhammad Azam Shah.
39 - Shah Alam.
40 - Emad Mahmoud ibn Mas'ud Shirazi.
41 - Mohammad Bagher.
42 - Nor al-Din Mohammad Abdullah Ibn Ali Tabib Shirazi.
43 - Fath Allah Abul-Qasim Ibn Fath Allah Tabib Shirazi.
44 - Shah Safi.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

نورالدین محمد عبدالله حکیم عین‌الملک شیرازی[45]، وی فرزند عین الملک طبیب حاذق دربار اکبرشاه است. وی از اطبای دربار شاهجهان و مورد توجه شاهزاده داراشکوه بوده است. این طبیب گرانقدر صاحب تألیفات سترگی بوده است که شامل ۱- مفردات ادویه ۲- قسطاس الاطباء ۳- طب داراشکوهی که دائره المعارفی در طب بوده است، که آنرا به شاهزاده محمد داراشکوه[46] تقدیم کرده است. این کتاب را می‌توان جزء اولین دایره المعارف علم پزشکی دانست. از تاریخ فوت این حکیم اطلاعی در دست نیست. تنها تاریخ پایان نوشته شدن این کتاب را سال ۱۰۵۶ می‌دانیم (۵،۱۲).

معصوم ابن کریم‌الدین طبیب شوشتری شیرازی[47]، از پزشکان نامی قرن یازدهم و از معاصرین شاه صفی و شاه عباس دوم[48] است. از وی تنها کتابی باقی مانده بنام «قرابادین معصومی» که جزء کتابهای داروشناسی است. از تاریخ فوت وی اطلاعی در دست نیست. و تنها سال ۱۰۵۹ سال تألیف کتاب ذکر شده است (۵).

احمد بن حسن بن حمود[49] معروف به اختیار شیرازی، از پزشکان قرن یازدهم هجری است. از وی کتابی با عنوان «حدود الامراض» باقی مانده است (۵).

محمد اکبر[50] معروف به شاه محمد ارزانی قادری شیرازی،[51] طبیب و از معتمدین عهد عالمگیر بابری و اکبرشاه گورکانی بوده است. وی را می‌توان آغازگر انتقال علوم و فنون طبی از زبان عربی به زبان فارسی دانست که این امر در دوران اکبرشاه سرعت بسیار زیادی گرفته بود. از وی تألیفات بسیاری در طب باقی مانده است، که عبارت است از: ۱- کتاب طب اکبری، که شرح و ترجمه کتاب شرح الاسباب و العلامات نجیب الدین ابوحامد محمد بن علی بن عمر سمرقندی است. در ترجمه این کتاب از فوائد شروح آقسرائی، سدید کازرونی، کفایه منصوری، موجز ابن نفیس، ذخیره خوارزمشاهی، قانون بوعلی سینا و حاوی رازی نیز افزوده است. ۲- قرابادین قادری در ۲۳ باب که آن را بسال ۱۱۲۶ هجری نوشت و چون از پیروان سلسله قادریّه بود، کتاب را بدین نام موسوم و آن را در بیست و سه باب تألیف نمود و در هریک از آنها کیفیت ترکیب هر دارو را در ذیل نام مرضی که با آن دارو بهبود یابد شرح داد. ۳- مفرح القلوب و تعاریف الامراض، ترجمه کتاب قانونچه چغمینی به فارسی در پنج مقاله است. ٤- کتاب میزان- الطّب که مختصریست در پزشکی بپارسی و محمد اکبر آن را برای بهره‌مندی شاگردانش تألیف نموده و به سه مقاله در کلّیات و داروهای مفرد و مرکّب و بیماریها و درمان آنها منقسم ساخته است. ۵) کتاب مجرّبات اکبری در باب داروهای مرکب که در چندین باب تألیف و در هریک از آن بابها بیماری‌ها و داروهای مربوط بآنها شناسانده شده است (۱۲،۹).

پیری و زوال مکتب پزشکی شیراز

افشاریه و زندیه:

این دوره با سقوط سلسله صفوی توسط افغانان غلجایی آغاز گشت. افاغنه پس از تصرف اصفهان به شیراز حمله نمودند و به مدت ۹ ماه شیراز را در محاصره گرفتند. آنان ابتدا با مردم شیراز با مدارا رفتار کردند، اما با قدرت نمایی نادرشاه افشار[52] و چون خبر شکست افاغنه توسط نادر به شیراز رسید، این اتفاق سبب شد، که مردم شیراز هر افغانی که دیدند به قتل برسانند. این موضوع سبب فرار افاغنه به دارالحکومه شد. ولی با یورش تفنگچیهای لاری، خنجی، کازرونی و پشوری که از اهل سنت بودند و کشتار مردم شیراز، افاغنه را نجات دادند.

نادر با شکست دادن اشرف افغان[53] در جنگ مورچه خورت بر اصفهان دست یافت. اما اشرف افغان پس از این شکست راهی شیراز شد. اشرف که می‌دانست، دیر یا زود نادر به شیراز خواهد آمد، با ۲۰ هزار نفر آماده مقابله با نادر شد. اما در این جنگ نیز شکست خورد و به لار فرار کرد و پس از

45 - Nur al-Din Mohammad Abdullah Hakim Eynolmolk Shirazi.
46 - Mohammad Dara Shikoh.
47 - Maasom Ibn Karim al-Din Tabib Shooshtari Shirazi.
48 - Shah Abbas II.
49 - Ahmed Ibn Hassan Ibn Hamoud.
50 - Mohammad Akbar.
51 - Shah Muhammad Arzani Qadri Shirazi.
52 - Nader Shah Afshar.
53 - Ashraf Afghan.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

مدت کوتاهی به قندهار گریخت و در آنجا نیز به دست یکی از عموزاده‌هایش کشته شد (۲).

دوران نادر نیز با کشمکشهای متعددی در شیراز روبرو بود، ابتدا به مدت ۵ سال به خاطر پیروزیهای نادر در هند، مالیاتها بخشیده می‌شود. اما پس از بازگشت نادر و فتوحاتش در هند، وی دچار جنون شد و حرص جمع کردن مالیات در نادر بوجود آمد. فشار مأموران و متصدیان مالیاتی سبب مهاجرت بسیاری از مردم به هند و عثمانی گشت. در این میان هند، برای دانشمندان، شعرا و بلاخص طبیبان مأمنی مناسب بود.

تا قتل نادر و روی کارآمدن کریمخان زند در شیراز، اوضاع بسیار ناآرام و آشوب زده بود. اما دوران ۱۳ ساله کریمخان نیز بسیار کوتاه بود، زیرا جانشینانش برای کسب قدرت به جان هم افتادند و این فرصتی مناسب برای قدرتگیری آغا محمدخان قاجار[54] بود. در اینجا به ذکر تعدادی از اطبا و پزشکان دو دوره افشاریه و زندیه می‌پردازیم:

حکیم محمد هاشم شیرازی[55]، فرزند محمد هادی شیرازی[56] در سال ۱۰۸۰ در شیراز بدنیا آمد. در شیراز به کسب دانشهای زمانه و علم طب پرداخت و طبیبی برجسته شد. در ۳۰ سالگی همراه پدرش به هند رفت. مدارج عالی را به سرعت طی نمود و به خاطر درمان محمد شاه گورکانی[57]، طبیب مخصوص وی گشت. در هنگام حمله نادر به دهلی و شکست گورکانیان، حکیم محمدهاشم به خاطر داشتن علم فراوان ملازم شاه ایران گشت. وی همچنین علت بیماری روانی نادرشاه را با فراست فهمید و به درمان آن پرداخت، وی با برنامه غذایی مناسب موفق به درمان نادر شاه گردید. نادرشاه نیز پیوسته حرمت وی را حفظ می‌کرد. اما با رفتن وی به زیارت مکه و از آنجا به هند و با بازنگشتن وی، بار دیگر بیماری نادر رو به وخامت نهاد. الگود وی را همپایه با بوعلی سینا و محمد زکریای رازی می‌داند و در آسیا و اروپای آن عهد کم نظیر بوده است.

وی علاوه بر طب بر شعر و موسیقی نیز تسلط داشته است. از وی تألیفات بسیاری باقی مانده است که چند مورد آن را نام می‌بریم: ۱- آثارالباقیه در طب و داروشناسی ۲- رساله در موسیقی درمانی ۳- شرح بر تحریر اقلیدس ٤- شرح بر مجسطی ۵- شرح بر موجز قانون ٦- کتاب در احوال اعضاءالنفس ۷- جمع الجوامع در طب ۸- التحفه العلویه و الایضاح العلیه ۹- حاشیه بر شرح هدایه الحکمه میبدی ۱۰- حاشیه بر شرح الاسباب و العلامات نفیسی ۱۱- خلاصه التجارب ۱۲- عشره کامله ۱۳- یادداشتهای متفرقه. حکیم محمد هاشم شیرازی در بیست و پنجم رجب سال ۱۱٦۲ دارفانی را وداع گفت و در دهلی به خاک سپرده شد (۱۵).

حکیم سید محمدحسین طبیب شیرازی[58]، از خاندان بزرگ شیرازی ولی همراه پدرش اقامتی طولانی در خراسان داشت، و پزشک آستانه رضوی مشهد بوده که به این علت به عقیلی خراسانی نیز مشهور است. وی از اطبای معاصر میرزا نصیر، طبیب مخصوص کریمخان زند است، وی همچنین خواهر زاده میرزا محمد هاشم شیرازی نیز می‌باشد. وی طبیب و داروشناسی فاضل و محققی دانشمند بوده است، صاحب تألیفات بسیاری در علم طب و داروسازی می‌باشد، وی مانند ابن سینا، پنج جلد کتاب در فنون پزشکی نوشت که آنرا «مجمع الجوامع» نامید. که مجموعه این پنج کتاب عبارتند از: ۱- کتاب خلاصه الحکمه در علم طب ۲- کتاب مخزن الادویه، دربیان ادویه مفرده ومرکبه ۳-کتاب ذخائرالتراکیب، معروف به قرابادین‌کبیر٤-کتاب امراض مختصه۵-کتاب‌امراض‌غیرمختصه. از تاریخ وفاتش در منابع ذکری به میان نیامده است(۱٦).

میرزا محمد نصیرالدین حکیم[59]از حکما، ادباء، ریاضیدانان و اطباء معروف قرن دوازدهم هجری و پزشک مخصوص کریمخان زند بوده است. وی به خاطر تبحرش در علم ریاضی، در تعیین قبله مسجد وکیل دست داشته است. از تألیفاتش در علم طب می‌توان به کتبی چون: ۱- اساس الصحه در طب به زبان عربی ۲-رساله در حل مشکلات قانون بوعلی سینا ۳- رساله در موسیقی و نسبتی که با علم طب دارد ٤- شفاءالاسقام

54 - Agha Muḥammad Khan Qajar.
55 - Hakim Mohammad Hashem Shirazi.
56 - Mohammad Hadi Shirazi.
57 - Muhammad Shah Gurkani.
58 - Hakim Seyyed Muhammad Hussain Tabib Shirazi.
59 - Mirza Muhammad Nasir aldin Hakim.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

در طب اشاره کرد. این پزشک بزرگ در سال ۱۱۹۱ در شیراز درگذشت و جسدش را در نجف الاشرف به خاک سپردند(۵).

در اینجا باید اعتراف نمود که دیگر مکتب پزشکی شیراز دچار افول گردید و دیگر مکتوبات و علم طبیبان پس از این قدرت و صلابت گذشتگان را نداشت.

دوره قاجار:

با سلطنت قاجارها که آخرین سابقه حکومت ایلی در ایران بود، بار دیگر تا اندازه‌ای حکومتی متمرکز در ایران بوجود آمد. اما این حکومت نیز دچار دسایس استعماری روس و انگلیس گشت. این دوره نیز از لحاظ رشد مکتب پزشکی قدمی به عقب بود و چیزی به انحلال کلی این مکتب علمی باقی نمانده بود. به تعبیر سیریل الگود، سلسله‌ای که تا سال ۱۹۲۵ میلادی بر سراسر ایران حکومت کرد و شاهد انتقال طب جالینوس و ابن سینا به طب هاروی[۶۰] و پاستور[۶۱] بود. پس از قدرت‌گیری رضاشاه و سقوط سلسله قاجار مکتب پزشکی شیراز به آخر راه خود رسیده بود. در سال ۱۳۱۱ شمسی براساس دستوری طب سنتی تعطیل و پزشکان ملزم به آموختن طب شیمیایی جدید و داشتن پروانه از دولت شدند (۱۷). اما با این حال به ذکر تعدادی از این اطبا و پزشکان در این دوره می‌پردازیم:

میرزا حسنعلی طبیب[۶۲]، از فقها و اطبای اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم بوده است، از وی دو رساله باقی مانده است: ۱- حاشیه بر شرح قرشی بر قانون بوعلی سینا ۲- حاشیه بر شرح علامه قطب الدین شیرازی بر کلیات کتاب قانون بوعلی. این حکیم گرانقدر در سال ۱۲۲۵ در شیراز دارفانی را وداع گفت (۱).

حاج میرزا محمد تقی طبیب[۶۳] ملقب به ملک‌الاطباء شیرازی، در شیراز بدنیا آمد و در همین شهر به تحصیل علم و طب قدیم پرداخت. وی بیشتر عمرش را در تهران و معاصر با فتحعلیشاه،[۶۴] محمدشاه[۶۵] و اوایل حکومت ناصرالدین شاه قاجار[۶۶] می‌باشد. وی به علت تبحرش در طب قدیم از مخالفان جدی طب جدید و شیمیایی می‌باشد و رساله‌های متعددی برعلیه این شیوه درمانی نوشت. از وی تألیفات بسیاری باقی مانده است که به ذکر آن می‌پردازیم: ۱- کلیات طب به شعر ۲- رساله حافظ الصحه ۳- تسهیل العلاج ٤- رساله وبائیه کبیره ۵- رساله وبائیه صغیره خلاصه ای از رساله وبائیه کبیره ٦- کتاب مفرق الهیضه و الوبا ۷- رساله بحرانیه ۸- رساله طاعونیه ۹- رساله کافوریه ۱۰- رساله کوثریه به زبان عربی ۱۱- رساله جوهریه، در رد داروهای قدیم و عدم جواز استعمال آنها به عربی ۱۲- رساله افیون ۱۳- مسکن الفواد. ملک الاطباء اواخر عمرش را به عراق رفت و در مجاورت عتبات عالیات در سال ۱۲۹۰ درگذشت (۱۸).

میرزا حسام الدین مسیح الملک[۶۷]، از معاصرین و معتمدین ناصرالدین شاه قاجار می‌باشد. وی ابتدا طب قدیم را در شیراز در نزد پدرش حاج میرزا محمد حکیم‌باشی[۶۸] آموخت، آنگاه برای ادامه تحصیل به تهران رفت و شروع به مطالعه زبان فرانسه و کتب طب جدید و تشریح کرد. او را می‌توان از اولین کسانی درایران دانست که به‌طب‌اروپایی‌آشنایی داشته است(۵).

میرزا لطفعلی نصیری شیرازی[۶۹]، در سال ۱۲٦۸ در شیراز بدنیا آمد، در پنج سالگی به همراه پدرش به تهران رفت، وی پس از تحصیلات مقدماتی و تکمیل علوم ادبی و عربی، ریاضیات، علوم شرعی، منطق، فلسفه و حکمت طبیعی و الهی پرداخت، وی علاوه بر تسلط بر علوم اسلامی، در طب نیز صاحب عقیده بود. مرحوم رکن زاده آدمیت تعداد تألیفات میرزا نصیر را در حدود ۱۲۲ جلد کتاب می‌داند. از جمله رساله شرح قانونچه در طب می‌باشد (٦).

میرزا محمد سرور طبیب شیرازی[۷۰]، از معاصرین مورخ شهیر فرصت‌الدوله شیرازی[۷۱] است، وی در همین شهر به آموختن علوم متداول پرداخت و جزء آخرین معلمین کتاب

60 - Harvey.
61 - Pasteur.
62 - Mirza Hassan Ali Tabib.
63 - Haj Mirza Mohammad Taqi Tabib.
64 - Fat'h Ali Shah.
65 - Mohammad Shah.
66 - Nasser al-Din Shah Qajar.
67 - Mirza Hsamaldyn Msyhalmlk.
68 - Haj Mirza Muhammad Hakim Bashi.
69 - Mirza Lotfali Nasiri Shirazi.
70 - Mirza Muhammad Sorur Tabib Shirazi.
71 - Forsataldulh Shirazi.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

قانون بوعلی در شیراز است. از تألیفات وی حواشی بر بعضی از کتب طبی می‌باشد (٦).

مدارس و کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دارالعلم شیراز

مدارس و حوزه‌های علمی:

هر تمدنی درجهت شکوفایی علم و فرهنگ نیازمند داشتن کتابخانه‌های مجهز و مدارس علمی است. این دو خاصیت در حوزه دارالعلم شیراز نمود وافی یافته بود در اینجا به ترتیب به ذکر اجمالی این دو حوزه یعنی مدارس و کتابخانه‌های شیراز در طول تاریخ می‌پردازیم:

مدرسه منصوریه: این مدرسه در بازارچه‌ای به همین نام واقع در جنوب شاهچراغ (ع) و در کوچه‌ای منشعب از طرح بین الحرمین قرار دارد. محله‌ای که مدرسه در آن واقع شده است به محله لب آب مشهور است و یکی از محله‌های قدیمی شیراز است. مدرسه منصوریه در سال ۸۸۳ (هـ . ق.) توسط امیر صدرالدین دشتکی شیرازی[۷۲] ساخته شده و چون نام فرزندش امیر غیاث الدین منصور[۷۳] بوده است، لذا مدرسه را بنام او منصوریه نامیده است. وی در رمضان سال ۹۰۳ هجری بدست ترکمانان بایندری در سن ۵۸ سالگی شهید شد و او را در این مدرسه دفن کردند. در حال حاضر طلاب علوم دینی در این مدرسه مشغول تحصیل هستند (۱).

مدرسه محبیه(میرزا علی اکبر)، در سال ۱۰۰۱ توسط میرزا محب‌الله حسنی حسینی دست‌غیب[۷٤]، در جنب قبله مزار سید میر محمد[۷۵]، مدرسه‌ای ساخته شد که بعدها به خاطر توسط شخصی بنام میرزا علی‌اکبر[۷٦] تعمیر و مرمت گردید و پس از آن بنام وی نامگزاری گردید (۷).

مدرسه خان، در سال ۱۰۲۲ امامقلی‌خان جهت تدریس و رفاه حال فیلسوف و حکیم بزرگ ملاصدرای شیرازی[۷۷] مدرسه بزرگی با صد حجره احداث نمود، و املاک متعددی وقف آن نمود (۱).

مدرسه هاشمیه، در محله بالا کفت، در جوار مدرسه حسینیه حاجی قوام قرار دارد، حاجی محمود تاجر شیرازی[۷۸] در سال ۱۰۳۹ آنرا ساخت و به مناسبت نام پدربزرگش، حاجی هاشم[۷۹] جد سلسله هاشمیه، آنرا مدرسه هاشمیه نامید (۱).

مدرسه سید علاءالدین حسین، در محله بالا کفت در جنب مغربی عمارت و بقعه حضرت سید علاءالدین حسین(ع) قرار دارد و نام اصلی آن مدرسه نظامیه است. این مدرسه در سال ۱۰۷۵ میرزا نظام الملک ثانی[۸۰] پسر میرزا حسین بیک جابری انصاری[۸۱] وزیر فارس، ساخته شد و به مرور زمان دچار صدمه از چندین زلزله شیراز گردید و نزدیک به سی سال محل خاکروبه‌ریزی محله گردید و در سال ۱۲۹٤ به همت محمود خان مرودشتی[۸۲] بار دیگر از نو مرمت گردید (۱).

مدرسه امامیه، در سال ۱۰۹٤ امام وردی بیک[۸۳] در محله درب کازرون شیراز (محله سنگ سیاه) مدرسه‌ای احداث و املاک متعددی وقف آن نمود (۷).

مدرسه حکیمیه، از بناهای صفویه است که توسط امیرنظام الدین دست‌غیب[۸٤] ساخته شده است، و گویا بعد از حادثه زلزله در سال ۱۲۷۲ فردی بنام مهرعلی شجاع الملک نوری[۸۵] آن را تعمیر کرده است (۱).

مدرسه مقیمیّه، بانی آن حاجی محمد مقیم[۸٦] از سلسله آتشی‌های شیراز بوده که در اواخر زمان صفویه این مدرسه را در محله لب آب ساخته است، بنای این مدرسه هم چنان پایدار است (۱).

مدرسه آقا باباخان (مدرسه سردار)، در محله درب شاهزاده در جنب بازار وکیل و مسجد جامع وکیلی قرار دارد شروع کار ساختمان در زمان کریم خان زند بوده اما اتمامش توسط محمد

72 - Amir Sadr al-Din Dashtaki Shirazi.
73 - Amir Ghiyathoddin Mansour.
74 - Mirza Mohibullah Hosni Husseini dastgheib.
75 - Seyyed Mir Mohammad.
76 - Mirza Ali Akbar.
77 - Mollasadrayeh Shirazi.

78 - Haji Mahmoud Tajer Shirazi.
79 - Haji Hashim.
80 - Mirza Nzamalmlk Sani.
81 - Mirza Hossein Beik Jaberi Ansari.
82 - Mahmoud Khan Marvdashti.
83 - Imam Verdi Beyyk.
84 - Amirnzam Din dastgheib.
85 - Mehr Ali Shjaalmlk Nouri.
86 - Haji Mohammad Moghim.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

حسین خان صدراعظم اصفهانی[87] و آقا باباخان بارفروشی مازندرانی[88] بوده است (۱).

مدرسه قوام، فرصت الدوله شیرازی در کتاب آثار العجم می‌نویسد: «مدرسه قوام در محله بالاکفت، از تمام مدرسه‌ها آبادتر و منظم‌تر است، این مدرسه مربوط به دوره قاجار است.

از دیگر مدارس شیراز که در تاریخ ذکری به میان آمده است، مدارس زیر است:

۱-مدرسه زینتیه (زینبیه) ۲- مدرسه سادات طویل ۳- مدرسه سامیه ٤- مدرسه شریفیه ۵- مدرسه صالحیه (حوزه علمیه خواهران) ٦- مدرسه صاعدیه ۷- مدرسه محسنیه ۹- مدرسه مغربی ۱۱- مدرسه مؤمنیه ۱۲- مدرسه نصریه ۱۳- مدرسه هاشمیه (۲،۱۹).

کتابخانه ها:

۱- کتابخانه خاندان دشتکی:

این کتابخانه متعلق به خاندان دشتی است، آنها دانشمندانی بودند، که از خود کتابخانه‌ای معتبر باقی گذاشتند، که نسل اندر نسل در خانواده آنها باقی مانده بود. در اثر بعضی از سوانح بعضی از این کتابخانه از بین رفت، و تعداد از آنها به مدرسه منصوریه منتقل گردید.

۳- کتابخانه مدرسه منصوریه:

این مدرسه و کتابخانه توسط صدرالدین دشتکی در سال ۸۸۳ هجری بنا گردید، و املاک متعددی برایش وقف گردید.

٤- کتابخانه مدرسه خان:

این کتابخانه و مدرسه توسط امامقلی خان حکمران فارس در زمان شاه عباس صفوی در سال ۱۰۲٤ هجری بنا گردید، و املاک بسیاری وقف آن گردید. از نکات برجسته این کتابخانه وجود بعضی از تألیفات ملاصدرا به خط خود استاد است.

۵- کتابخانه وفا:

این کتابخانه توسط محمدحسین[89] متخلص به وفا از وزیران جعفرخان[90] و لطفعلیخان زند[91] جمع‌آوری شد، و تعداد ۷۵۰ جلد کتاب بسیار نفیس بود، که از ترس آغا محمدخان، شاه سفاک قاجار مجبور شد، تمام کتابها را به وی تسلیم سازد، تا جان خود و خانواده‌اش را از تیغ آغا محمدخان نجات دهد. در آخر نیز معلوم نشد، که چه بر سر کتابها آمد.

۵- کتابخانه مدرسه سردار:

این کتابخانه توسط آقاباباخان[92] معروف به سردار در سال ۱۲٤۹ هجری جهت استفاده طلاب و مدرسان حوزه علمیه وقف گردید.

از جمله کتابخانه‌های قدیمی شیراز می‌توان به مجموعه‌های خصوصی اشاره کرد که عبارتند از: کتابخانه وصال، کتابخانه حاج اکبر نواب، کتابخانه گلشن، کتابخانه ذوالریاستین، کتابخانه ایلخانی، کتابخانه خاندان امام جمعه، کتابخانه شعاع، کتابخانه ثقةالاعلام، کتابخانه حاج میرزا حسن فسایی، کتابخانه شیخ محمود مسجد گنجی، کتابخانه حدائق، کتابخانه واجد، کتابخانه کاظمی (۲۰،۲).

بیمارستان‌ها و مراکز درمانی:

در این برهه تاریخی که از صفویه تا پایان قاجاریه ادامه داشت، در دوره صفوی به استثنای بیمارستان مجهز آستان رضوی در مشهد که البته از پزشکان نامور مکتب پزشکی شیراز استفاده وافری می‌برده است، دیگر مانند دوران‌های با شکوه گذشته که ما شاهد بیمارستانهایی مجهز در شیراز مانند: بیمارستان عضدی، بیمارستان مظفری و بیمارستان مدرسه منصوریه، قابل مشاهده نیست، تنها از این دسته بیمارستانها و مراکز درمانی کوچک و بدون تجهیز وابسته به مساجد موجود بوده است که قابل توجه نمی‌باشد (۱٤).

در روزگار افشاریه و زندیه به سبب آشفتگی‌های فراوان خبر چندانی از بیمارستان‌ها نداریم. گویا بیمارستان‌ها قدیم با وضعیتی نامناسب به فعالیت خود ادامه می‌دادند. از اوایل حکومت قاجار تا زمان ناصرالدین شاه بیمارستان مهمی در ایران وجود ندارد. اما مانند بسیاری از دوره‌های گذشته بیمارستان‌های سیار در سپاه قاجار وجود داشته است (۲۱).

87 - Mohammad Hossein Khan Sadre Azam Esfahani.
88 - Agha Baba Khan Barforoosh Mazandarani.
89 - Mohammed Hussain.
90 - Jafar Khan.
91 - Lotf Ali Khan Zand.
92 - Qababakhan.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

یکی از مظاهر استعمار تأسیس و گسترش بیمارستان‌های اروپاییان در ایران است. اولین بیمارستان اروپاییان توسط پرتغالیان در جزیره هرمز بنا شد. شرکت هند شرقی نیز در بندرعباس بیمارستانی ساخت که نزدیک به دو قرن فعالیت می‌کرد. همچنین انگلیسی‌ها در بوشهر بیمارستانی ساختند. با آمدن ژنرال گاردان[۹۳] فرانسوی یک پزشک و دو کشیش وارد ایران شد و درمانگاهی تأسیس گردید و زمینه‌ای برای اشاعه طب جدی در ایران فراهم شد (۲۱).

نتیجه:

این دوره از مکتب پزشکی شیراز که از آغاز صفوی تا پایان قاجار ادامه داشت را می‌توان مورد می‌توان به طور کلی به دو دوره کاملاً متفاوت خلاصه نمود، دوران شکوه پزشکی که با تجربیات گذشته مکتب شیراز به تمدن صفوی رسیده و آمیخته شده بود و دوران پیری و انحلال که با دو سلسله افشاریه و زندیه و تا پایان دوره قاجار ادامه داشت، مکتب پزشکی شیراز به پایان خود رسید.

مکتب پزشکی شیراز، یکی از مکاتب علمی ایران است، که کمتر به آن توجه شده است، این مکتب چیزی در حدود ۱۰۰۰ سال در درمان و آموزش علم طب پیشقدم بوده است. تبحر علمی اطباء و پزشکان شیراز، تنها به این شهر منحصر نبوده علاوه بر ایران، حتی بر سرزمین هندوستان نیز تأثیر نهاده است. تا آنجا که هرکس علم طب را در شیراز فراگرفته بود، ارزش و اعتباری دو چندان داشت.

در ارتقاء علم طب در شیراز تشویق مادی و معنوی پادشاهان و حکام شیراز و فارس بسیار مؤثر بوده است، وقف و تعیین موقوفه برای آموزش طب، ساخت مدارس علمی، تأسیس کتابخانه‌ها، احداث بیمارستانها و درمان بیماران از نکاتی بود که در رونق این مکتب علمی در شیراز مؤثر بوده است. ویژگی فرهنگی و علم دوستی مردم شیراز نیز از عوامل تأثیرگذار بوده است. به امید آنکه روزی شاهد بیداری و تولد دوباره دارالعلم شیراز و رونق دوباره مکتب طبی شیراز باشیم.

93 - General Gardanne.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

References:

1. Hosseini Fasay, Mirza Hasan. Farsnamh Naseri, Volume 1&2, Correction: Mansour Rastegar Fsayy, Tehran: Amir Kabir, 2004, 23-1223. [in Persian]

2. Golshani, Seyyed Ali Reza, Golshan Shiraz (full on transformation of political, social, cultural and scientific Shiraz beginning of the Revolution), Shiraz: Farhangeh Persia, Second Edition, 2011, 77-140. [in Persian]

3. Sami, Ali. Shiraz Shhreh javydan, Shiraz: Naved, Third Edition, 1988, 691.

4. Forsat Shirazi (Frstaldwlh), Mohammad Nasir, Asar Ajam, Mumbai, 1976, 458-9.

5. Mir, Mohammad Taqi. Pars famous physicians. Shiraz: Shiraz University Press.1984, 31-220. [in Persian]

6. Mir, Mohammad Taqi. Pars famous nobles. Volume 2. Shiraz: Shiraz University Press. 1989, 624-1104. [in Persian]

7. Khubnazar, Hassan., History of Shiraz (from the beginning to the beginning of the reign of Karim Khan Zand), the effort: Dr Ja'far Moayed moaeed Shirazi, Tehran: sokhan, 2002, 733-941. [in Persian]

8. Golshani, Seyyed Ali Reza. Amir Seyyed Fathollah Shirazi, a physician, historian and politician in Indian Mughal Empire (Gūrkān) court. Res Hist Med 2012 Aug; 1(3): 82-85. [in Persian]

9. Jandpouri, Seyyed Kausar Ali. Medical history of Mongolian dynasty in India. Translated by Shahidi SJ. Tehran: Tehran University of Medical Sciences, 2011, 243-248. [in Persian]

10. Iskandar Beg Torkaman, Alamara-i Abbasi, Volume 1, Edited by: Iraj Afshar, Tehran: Amir Kabir , Third Edition, 2004, 168. [in Persian]

11. Bdavny, Abd al-Qadir Ibn Muluk Shah, Muntakhab-ut-Tawarikh, Volume 3, editor: tofigh Sobhani and Mawlawi Ahmad, Tehran: Anjoman Asar va Mafkher Farhangi, 2001, 114. [in Persian]

12. Safa, Zabihollah. history of literature In Iran, Volom 5, Tehran: Ferdows, Eighth Edition, 2000, 359-1364. [in Persian]

13. Kiani, Hossein and others. Introduction of an Outstanding Scientist of Iranian and Islamic Traditional Medicine: Emadodin Mahmoud-Ibn Masoud Shirazi. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine, Volume 2, Number 3 (Fall 2011), 249-254.

14. Elgood, Cyril lioyd. Medicine in Safavid period. Translated by Javidan M. Tehran: Tehran University Publication, 1978, 31-41.[in Persian]

15. Golshani, Seyyed Ali Reza. Mirza Mohammad Hashem Alavi Khan Shirazi: The Messenger of Shiraz Medical Doctrine in India. Res Hist Med 2012 May; 1(2): 47-50. [in Persian]

16. Tajbakhsh, Hassan., History of Veterinary And Medicine (Volume II) Islamic times, Tehran: Tehran University, 2007, 507-508. [in Persian]

17. Elgood, Cyril lioyd. Medical history of Persia and the eastern caliphate. Translated by Forghani B. Tehran: Amir Kabir. 2007, 489. [in Persian]

18. Mazaheri, Mohammad. Haj Mirza Baba Tabib Shirazi. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine, Volume 3, Number 2 (summer 2012), 239-241.

19. Behrozi, Ali Naqi, History of libraries, press and printing Pars, Shiraz: Association of Public Libraries in Shiraz, 1972, 40-41. [in Persian]

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

20. Emdad, Hassan. History of Education in the Fars (from ancient times to the contemporary period), Shiraz: Navid, 2007, 172-184. [in Persian]

21. Ahmdi darany, Ali Akbar, History hospitals, brilliant career Iranians, Journal of Information and Library Science, History and Geography Book of the Month, August and September 2003 - Number 58 and 59, 88.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]